



وقت

پنج‌شنبه و یکم، اردیبهشت ۱۴۰۴

BANDAR_ABBAS

شهید ابراهیم رئیسی

مسئله فلسطین یک مسئله سیاسی
نیست و این مسئله در عمق عقیده امت
اسلامی است زیرا در این سرزمین قبله

فهرست

سید مقاومت ، سید ابراهیم رئیسی _____ یک ، دو

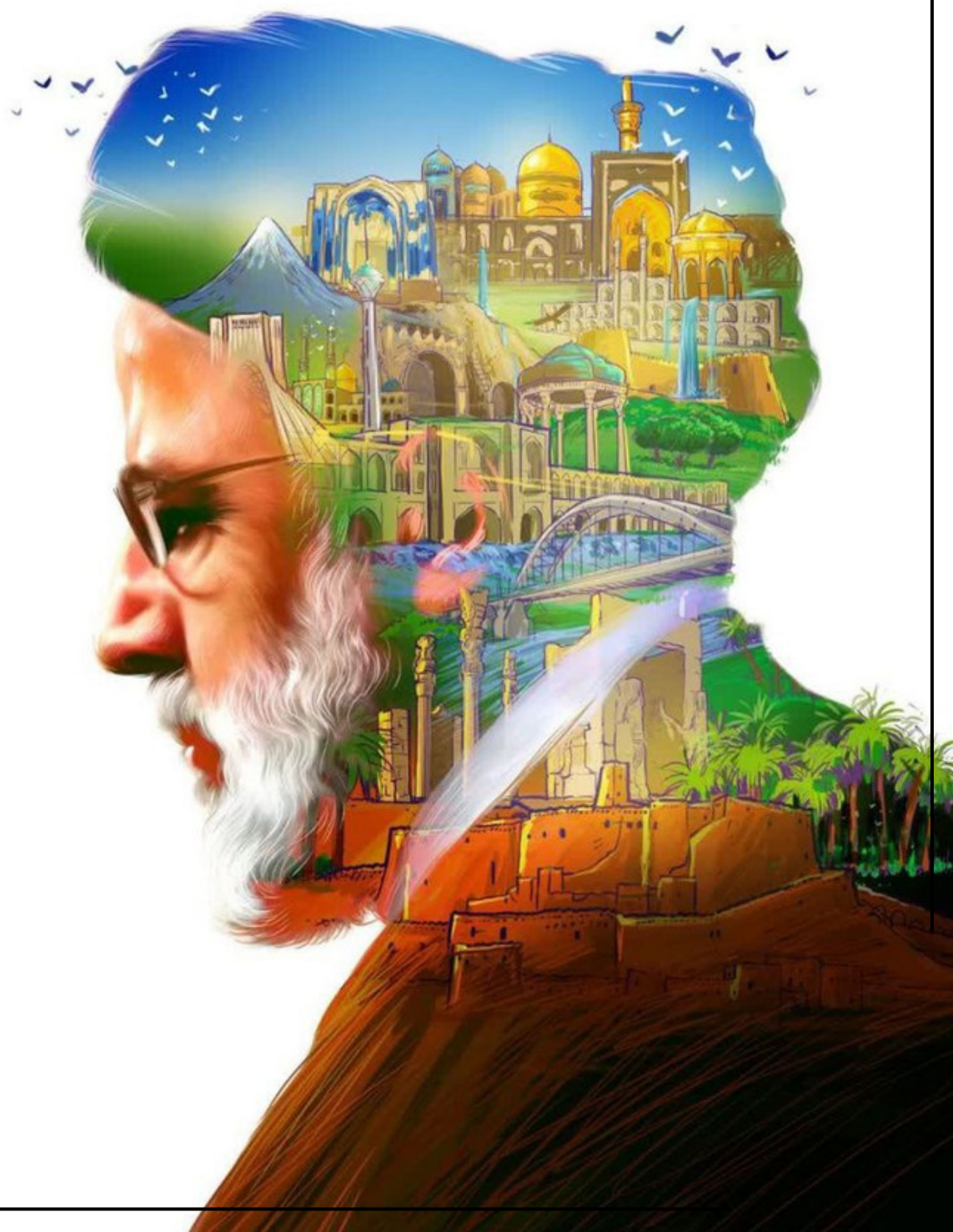
جنوب ریتمی براندوده وطن _____ سه

موضع رهبری ، مذاکرات ، شرطی شدن کشور..... _____ سه ، چهار

«شن های طبس ؛ دشمنی که آمریکا پیش بینی نکرد» _____ پنج

قلب تپنده ی ایران _____ پنج ، شش

شوق پریدن _____ شش



سید مقاومت، سید ابراهیم رئیسی

قصه آتش و ابراهیم، قصه نام آشنایی برای ما است. نشانی است از قدرت خداوند، از مدد الهی در راه فائق آمدن بر راه باطل و استقامت داشتن در راه حق. اما همواره راهبرد های مدد الهی یکسان نیست و چه بسا نتیجه ای مطلوب، گاهی از زنده ماندن از آتش حاصل شود و گاهی از زنده شدن در دل آتش... آنچه که از فائق آمدن بر راه باطل و استقامت در راه حق گفته شد، مبتلا به اسلام، علی الخصوص در جمهوری اسلامی است. اما مقاومت گفتمانی ارزشمند است که به شایستگی روایت و درک نشده و همین عدم درک و متعاقبا سهل انگاری در این رویکرد، ضعف های اجرایی نشدن آن را به پای خود مقاومت می نویسد! باید از خود پرسید که آیا مقاومت به صرف آمادگی نظامی است؟ اگر ما مقاومت را در برابر تهاجم یا برای پیشگیری از تهاجمی در نظر بگیریم، یا باید بپذیریم که تهدید در دنیای فکری ما در حد تهاجم نظامی صرف، کوچک است یا اینکه قبول کنیم مقاومت به صورت ناقص در حال اجراست! اینجا همان محلی است که گفته شد ضرر های عدم مقاومت به عنوان نتیجه مقاومت نوشته می شود و این جمله تولید می شود که بله! (هزینه تسلیم کمتر از مقاومت است!).

مقاومت اگر در گسترده هم دیده شود باید چندین بعد را برای آن در نظر گرفت: مقاومت مردمی، عدم وابستگی و سلطه پذیری، مقاومت در داخل من جمله در حوزه عمل به سیاست ها، وحدت و... در ادامه به بررسی اجمالی این مقاومت ها می پردازیم. مقاومت مردمی: آنچه که در دفاع از حق از سمت طرفداران حق سر می زند و در شرایط بحرانی، جلوه آن محرک جبهه حق و ترمز جبهه باطل است، همین مقاومت مردمی است. آنچه که به عنوان یکی از عوامل برتر بودن جامعه ما نسبت به جامعه علوی شناخته می شود بدون شک این مقاومت است. نماز جمعه نصر و راهپیمایی ۲۲ بهمن و قدس امسال، جلوه درخشان این بازوی مقاومت است. صحبت برای گفتن در این مورد بسیار است اما به دو مورد برای اشاره می شود اکتفا کرد.

چه به حکم آیه ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا و چه به استناد به سخن امام علی که فرمودند لَوْلا حُضُورُ الْحَاضِرِ، وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ، میپذیریم که این بازو، از اصول اساسی مقاومت است. مقاومت در سیاست داخلی: شاید بتوان گفت آنچه در مورد ابراهیم در آتش زنده شده ما قرار است به طور اجمالی گفته شود، به این بخش مربوط است. برای امتداد مقاومت در سیاست داخلی حداقل به دو عامل نیازمند هستیم اول: باور به سیاست مقاومت و رد شدن از گفتمان سازش. دوم: توان و همت اجرای این باور در عرصه عمل. در مورد بخش اول: قبول داشتن سیاست مقاومت در خارج از کشور باید یکی از اصول اساسی انتخاب رئیس جمهور باشد و هست. هرچند در هر رئیس جمهوری با کم و زیاد بودن در پذیرشش همراه است اما واضحا آنچه مطلوب انقلاب اسلامی است، رئیس جمهوری است که از بن دندان به مقاومت نظامی و هسته های آن در کشورهای دیگر باور داشته باشد، از داخل و خارج نترسد و به قول حضرت علی مصداق این جمله باشد که: شجاع باش زیرا مرگ یکبار به سراغت می آید. چنین رئیس جمهوری نباید وضعی از خود در مقابل دشمنان نشان بدهد و از اصول انقلابی و منافع ملی خود لحظه ای کوتاه نیاید. چه می خواهد آن لحظه، لحظه ای باشد که ((نه)) قاطعی به پرسش خبرنگار در مورد دیدار مستقیم با آمریکا میدهد و چه موقعی که اسرائیل را تهدید میکند و با گفتن جمله ((امگرا کار شماست؟)) تهدید اسرائیل مبنی بر نابودی مقاومت را با لحنی تند به تمسخر میگیرد و ریشه مقاومت را همانطور که بالا ذکر کردیم، در دل یک یک مردم این منطقه می داند. اما در مورد مقاومت در داخل، باید اول مصادیق آنرا تعریف کنیم ولی اگر اجمالا بخواهیم به مواردی بپردازیم، این موارد را میتوان به عنوان نمونه ای از مصادیق نام برد: وحدت: آنچه که به عنوان نگه دارنده ثبات کشور به ویژه در شرایط سخت و دشوار شناخته شده و از ویژگی های مومنان نسبت به یکدیگر قابل برداشت است و نیاز اساسی آن در حال حاضر حس می شود، باید از جلوه های رئیس جمهور باشد.

سید مقاومت، سید ابراهیم رئیسی

ذکر مواردی از جمله (تشبیه به امیر کبیر، تحسین های متعدد بابت توسعه زیرساخت های کشور، ذکر بالاتر بودن همه شاخص های اقتصادی از سال ۱۴۰۰ و...) در این مقام می گنجد. مورد دوم: توان و اجرای این باور در عرصه عمل. بخشی از این مورد در مورد اول هم قابل برداشت بود، اما آنچه شهید رئیسی را از سایر رؤسای جمهور متمایز می کرد خستگی ناپذیری ایشان در مقام خدمت و جهاد بود. خصوصیتی که پای ثابت هر خاطره و هر تعریفی از ایشان است و در آخر سبب شد که رهبری بفرمایند: (ما قبلاً هم شخصیت های خدمتگزار داشته ایم، اما نه در این حد، نه با این حجم، نه با این کیفیت، نه با این صداقت، نه با این پُرکاری و شب و روز نشناختن؛ یک نصاب جدیدی را آقای رئیسی (رحمة الله علیه) در باب خدمتگزاری به ملت ایجاد کرد.) در آخر آنچه که به طور کلی تحت عنوان مقاومت و دنباله آن در داخل و فرد مناسب این جایگاه گفته شد، مطمئناً نه برای نویسنده و نه خواننده، ترسیم کننده جایگاه واقعی شهید ابراهیم رئیسی نیست اما حکم تلنگری را دارد که باید به هر کسی زده شود. شهادت باید شهید را جاودانه کند و شهادت، زمانی زیباست که روحی بر دل های مرده زندگان بدمد. وفاداری به این راه، حکم به زنده بودن دل میدهد و آن وقت است که بغض در گلو مانده از رفتن شهید، جمهوری اسلامی را نه تنها عقب نمیراند بلکه مصداق همان باور به آرمان و تلاش همراه با آن است، که سد راه حق نخواهد شد. تقدیم به شهید مقاومت، سید ابراهیم رئیسی حامیم



کسی که نه در شعار و لفظ، بلکه در عمل محوریتی برای خود برگزیند و هر آنچه که بخواهد لطمه ای به آن محور بزند را مایه تفرقه دانسته و از جامعه دور کند. محل آزمایش رئیس جمهور جایی است که تحت فشار و ناراحتی باشد اما بر خواست ولی جامعه و صلاح مملکت، سکوت کند. شاید درک این بند برای ما سخت بود اگر جمله ای مانند این جمله را نمیخواندیم: (خیلی هم در این قضیه تحت فشار هم روحی هستم که آقا این مطلب برای تورو روشن است، می توانی این را با یک بیانی بروی در جایی مطرح کنی، بالاخره ما هم تربیون داریم. ... پیمان خودم هست با خداوند متعال که من خلاف خواست رهبری که عبارت باشد از طرح کردن موضوعی که در آن زمینه اختلاف قوا باشد، من مطرح نکردم تاکنون و مطرح هم نخواهم کرد.)

شاید سنگینی آزمایش را حس نمیکردیم اگر نمی شنیدیم که (کشور ظرفیت جنجال جدید ندارد؛ در نهایت می خواهند بگویند رئیسی را سر جایش نشانده ایم! بگذار بگویند...) این وحدت در کنار همان رویکرد قاطع و تندی است که بر علیه دشمنان به کار برده می شد. همان اشد علی الکفار و رحما بینهم... همان زمانی که در دفاع از صنعت هسته ای ایران، آمریکا را کشوری خطاب می کند که به عنوان تنها مجرم هسته ای جهان، دارای صلاحیت برای نگرانی سلاح هسته ای ایران نیست. عمل به سیاست ها؛ آنچه که به عنوان ضعفی دیگر در مقاومت شناخته میشود، عدم توجه به سیاست های تعیین شده و پیوست مقاومت در داخل است. مثالی که مشهور است و به دلیل کوتاهی متن هم فقط به همان بسنده می شود، سیاست اقتصاد مقاومتی است. اگر رهبر را رهبری مقاوم و رویکرد مطلوب را مقاومت بدانیم و معیار های تایید شده توسط کارشناسان را در سیاست اقتصاد مقاومتی بخوانیم، به تفاوت های خط مشی بعضی سیاستمداران پی برده و بیشتر درک میکنیم که چرا هزینه به پای مقاومتی ریخته می شود، که در حال انجام شدن نیست...

اما رئیس جمهور شهید آنچنان وفاداری خود را به این رویکرد ها نشان داد که انواع و اقسام تحسین ها را توسط رهبر انقلاب و کارشناسان دریافت کرد و نتیجه آن عملکرد ها، همان آمار هایی است که برای خوانندگان گرامی با جست و جویی ساده در دسترس است.

جنوب ریتمی بر اندوده وطن

زیر آن ریتم تند، با آن صدای مهیب دژام که انگار اصلا صدای سنج را روی آن پاشیده‌اند که آن را کش بیاورد توی سرت و برمرگباری آن بیفزاید،

زیر آن بالا و پایین آمدن منظم دستها و بازوها،

زیر آن حرکت جمعی دژار که اگر ندانی و نشناسی، انگار که به تماشای سماعی از دست شده و از ریتم دررفته نشسته‌ای،

زیر آن تعلیق ویرانگر میان سوگ و خلسه،

این «اندوده» است که در خون «جنوب»، -نوبت به نوبت- جریان دارد.

جنوب، اندوده کش دار است، به قامت آیین، در لباس موسیقی، به شکل رقص.

این اندوده است که در جنوب می‌رقصد.

و ملتی هم سو با آن رقصی به گرمی آفتاب، با امید به آینده رقصی از سر شوریدگی ... جنوب سالهاست نوای ایران را فریاد می‌زند

از اهواز تا آبادان

از بوشهر تا بندرعباس

مردانی که در خون خود رقصیدند

وزنانی که در اندوده خود

مقصد مشترک جاده خون و جاده اندوده، همان وطن است.

جنوب مدت‌هاست بلاکش ایران است.

انگار تلفیق آفتاب و آب همان خون است اما این بار این ملقمه، حاصلش سوختن بود.

سوختنی چون شمع که بار دیگر چراغ خانه را برافروخت...



موضع رهبری، مذاکرات، شرطی شدن کشور.....

((مسائل کشور نباید به این گفت‌وگوها گره زده شود و اشتباهی که در برجام انجام شد و همه چیز کشور را به پیشرفت مذاکرات منوط کرد، نباید تکرار شود چرا که کشور شرطی می‌شود و همه چیز از جمله سرمایه‌گذاری تا مشخص شدن نتیجه مذاکرات معطل می‌ماند.))

این بیانات رهبری راجع به مذاکره اخیر ایران و آمریکا به خوبی رهنما و روشن‌گر مسئولین و به نوعی اتمام حجت برای آنانی است که تحرک موتور صنعتی، سازندگی، اجتماعی و از جمله اقتصادی کشور را منوط به موفقیت در مذاکرات میدانند.

اگر چنین دیدگاهی در بین مسئولین کشور وجود نداشته باشد و همه مسائل ریز و درشت را در مذاکرات ببینند بعید نیست که بار دیگر شاهد سخنانی از رهبری من باب گفتگوهای اخیر باشیم که در آن دو کلمه خودنمایی میکند (دلیل، تجربه).

کدام تجربه؟ تجربه ای تقریباً ۸ ساله از مذاکرات دولت اصلاحات با آمریکا که حتی خنثی کردن تحریم‌ها را هم به مذاکرات گره زدند. تحریم دو جنبه دارد، رفع تحریم و خنثی کردن تحریم که به تعبیر رهبری خنثی کردن تحریم به عوامل داخلی وابسته است و میشود در داخل کشور آن را حل کرد میشود با ظرفیت داخلی به آن پرداخت مسئله ای که متأسفانه در دوره قبلی مذاکرات دقیقاً شاهد عکس این دیدگاه بودیم که نتیجه آن منجر به شرطی شدن و وابسته شدن کشور به مذاکرات شد که یکی جلوه‌های آسیب آن افزایش ۶۸۶ درصدی دلار در دولت مدعی مذاکره بود. افزایش ۶۸۶ درصدی قیمت دلار به معنای کاهش شدید قدرت خرید مردم، ایجاد نارضایتی عمومی، فروپاشی اقتصادی و وابستگی اقتصادی است.

ان شالله که فارغ از هرگونه جهت‌گیری سیاسی نتیجه مذاکرات عمان به گونه ای پیش برود که فواید آن در سفره مردم حس شود نه اینکه دست‌آویزی برای حسابرسی‌های سیاسی مسئولین شود چرا که تنها بازنده در این کش و قوس‌های سیاسی مردم ایران خواهند بود.

موضع رهبری، مذاکرات، شرطی شدن کشور.....

است و آن هم تاکید بر عزت، شرافت و حفظ آبروی ملت بزرگ ایران است.

رهبری مذاکره با آمریکا را زمانی عاقلانه نمیداند که ترامپ سعی بر تحقیر ملت ایران با تهدید به جنگ نظامی دارد ولی مواضع رهبری موجب این شده که مذاکرات مسقط نه تنها تحقیری برای ملت ایران نباشد بلکه دقیقا محل تحقیر ترامپ و دولتی های آمریکا شده است چرا که مجوز مذاکرات زمانی صادر میشود که ترامپ با آن همه زیاده خواهی و نگاه تحقیرمندانه به ملت ایران، سه شرط اصلی ایران برای مذاکره را میپذیرد، شروطی که ترامپ در مواضع قبلی خود همگی این شروط را رد کرده بود یعنی انجام مذاکرات به صورت غیر مستقیم به واسطه گری عمان و منحصر در موضوعات هسته ای.

این عقب نشینی ترامپ از مواضع خود نشان از اقتدار و حفظ عزت و سربلندی ملت ایران دارد که همگی ناشی از مواضع دقیق و زمان شناسانه رهبری نسبت به موضوعات متوجه حکومت اسلامیست.

و به عنوان نکته پایانی بار دیگر خود را متوجه سخنان رهبری میکنیم که نباید نباید نباید کشور را شرطی به مذاکرات کرد و موضوعات اساسی کشور از جمله اقتصاد را به آن گره زد که با توجه به شعار سال راه حل مشکلات دقیقا در داخل کشور وجود دارد و آنچه مهم است به کارگیری ظرفیت داخلی کشور میباشد.



اما نکته ای که با شروع مذاکرات فراگیر شد و مورد سوال قرار گرفت این بود که آیا نظر رهبری در مورد مذاکرات تغییر کرده است؟ نظری که در آن رهبری متذکر شدند مذاکره با آمریکا عاقلانه، هوشمندانه و شرافتمندانه نیست و نخواهد بود.

برای پاسخ به این سوال باید کمی دورتر رفت و از بالا به این مسئله نگریست تا بتوان جامع تر و همه جانبه موضوع را درک کرد. اولین بعدی که باید به آن اشاره کرد و متوجه آن شد بار معنایی واژگان و کلمات است، در واقع باید در ابتدای امر تفاوت میان (مجوز و دستور) را از نظر معنایی و مفهوم به خوبی درک کنیم.

در سخنرانی اخیر رهبری هرگونه مذاکره با آمریکا در جهت رفع تحریم ها رد میشود و تاکید بر عدم وجود مذاکره ای عاقلانه، شرافتمندانه و هوشمندانه جود دارد این در شرایطی از سمت رهبری بیان میشود که ترامپ عدم موافقت ایران با مذاکره را مساوی با بمباران ایران میداند، بیانات رهبری در چنین شرایطی که آمریکا در مذاکره با ایران دیدگاه زیاده خواهانه و استکباری دارد نشان از اقتدار و صلابت جمهوری اسلامی ایران است.

و اما تفاوت دو واژه (دستور و مجوز) این است که «دستور» یک سطح حداکثری است و «مجوز» سطح حداقلی و ما در رابطه با مذاکره اخیر با نوع دوم یعنی مجوز مذاکره و سطح حداقلی آن مواجه هستیم نه دستور و سطح حداکثری.

در واقع رهبری مجوز مذاکره با آمریکا را صادر کردند نه اینکه دستور به آن بدهند که اگر چنین بود ادعای عدم انطباق مذاکرات با موضع رهبری میتوانست درست باشد بنابراین این که می گوییم واژگان بار معنایی دارند و باید به درستی از آنان استفاده کرد منظورمان دقیقا همین است.

اما نکته ای دیگر که باید به آن توجه کرد اینست که اتفاقا مواضع رهبری نه تنها موجب شکل گیری اختلاف بلکه باعث یک صدایی در حاکمیت و جهت دهی درست و مستقیم در ارکان نظام و حاکمیت شده



«شن‌های طبس؛ دشمنی که آمریکا پیش‌بینی نکرد»

شب آرام بود، سکوتی گسترده بر بیابان طبس حکمفرما بود، اما در دل آن آرامش، نقشه‌ای تاریک در جریان بود. ۲۵ آوریل ۱۹۸۰، آمریکایی‌ها با تمام غرور و تجهیزات پیشرفته‌شان، عملیاتی موسوم به «پنجه عقاب» را آغاز کردند، تلاشی برای نجات گروگان‌های سفارتشان در تهران. اما آنچه که آنان پیش‌بینی نکردند، نیرویی فراتر از محاسبات نظامی بود؛ نیرویی که در میان شن‌های بیابان خفته بود و لحظه‌ای که باید، بیدار شد.

بالگردها و هواپیماهای آمریکایی، با جادطلبی در دل تاریکی پیش رفتند، اما طبس، سرزمین حوادث غیرمنتظره بود. شن‌های کویر، همان چیزی که از نظر آنان بی‌اهمیت بود، به بزرگ‌ترین دشمنشان بدل شد. طوفان شن برخاست، دید را کور کرد، دستگاه‌ها را مختل کرد، و سرانجام، آنها را به زانو درآورد. در میان آشفتگی، دو هواپیما به یکدیگر برخورد کردند، شعله‌ها زبانه کشید، و عملیات پنجه عقاب، پیش از آنکه به مقصد برسد، در میان کویر مدفون شد.

آن شب، نه ارتشی در مقابل آمریکا ایستاده بود، نه سلاحی سنگین به کار گرفته شد. تنها خداوند بود که ورق بازی را برگرداند؛ شن‌های بیابان، که نیرویی ماورایی در خود داشتند، مأموریتی را که با محاسبات دقیق طراحی شده بود، در هم شکستند.

شکست عملیات، تنها یک ناکامی نظامی نبود. آمریکا نه فقط در طبس، که در جهان، در نگاه‌ها، در محاسبات قدرت‌ها شکست خورد. این حادثه، نمادی شد از اینکه اراده یک ملت، حتی در سکوت بیابان‌هایش، قادر است تا بزرگ‌ترین طرح‌ها را به چالش بکشد.

آن شب، تاریخ در دل شن‌ها نوشته شد، تاریخی که نشان داد قدرت حقیقی، نه در تجهیزات پیشرفته، که در ایمان و اراده مردمی نهفته است که هیچ نیرویی نمی‌تواند آنها را شکست دهد.

نرگس مرادی



- قلب تپنده‌ی ایران -

ایران عزیزم، ای مهد تمدن و فرهنگ، ای سرزمین نور، تو را چه بنامم؟ گهواردی شیرین تاریخ یا باغی بهشتی که عطر دل‌انگیزش، جان‌ها را نوازش می‌دهد؟ در میان دشت‌های پهناور، در قلب کوه‌های استوار، گوهری پنهان داری که نامش، آرام‌بخش جان‌های بی‌قرار است: حرم امام رضا. آنجا، در مشهدالرضا، انگار آسمان به زمین بوسه می‌زند و فرشتگان، بال‌های نورانی‌شان را فرش راه زائران می‌کنند. گنبد طلایی‌اش، مثل خورشیدی تابان، دل‌ها را به سوی خود می‌کشد و گلدسته‌هایش، قامت استوار ایمان را به رخ جهانیان می‌کشند.

حرم، تنها یک مکان نیست؛ روحی جاریست در رگ‌های ایران. هر خشت و کاشی‌اش، داستانی از عشق و ارادت را روایت می‌کند. صدای زائران، نوای ملکوتی‌ای است که در گوش زمان طنین‌انداز می‌شود و اشک‌های شوق، دریایی از نور را به وجود می‌آورد. در صحن‌های حرم، گویی زمان از حرکت باز می‌ایستد. دل‌ها در دریای معنویت غرق می‌شوند و جان‌ها، طعم آرامش را می‌چشند. در گوشه‌ای، پیرمردی با دلی شکسته، از درد فراق می‌گوید و در گوشه‌ای دیگر، کودکی با لبخندی معصومانه، از آرزوهایش.

اینجا، همه یکسانند: زائران کوی رضا، مهمانان خوان کرم. حرم امام رضا، منبع الهام هنرمندان و شاعران است. کاشی‌کاری‌هایش، تابلویی از هنر ایرانی است و خطوط کوفی و نسخ، جلوه‌ای از عشق به کلام وحی. این حرم، قلب تپنده‌ی ایران است. سنی و شیعه، ترک و فارس، کرد و بلوچ. اینجا، همه زیر سایه‌ی امام رضا (ع)، دست در دست هم، برای سربلندی ایران دعا می‌کنند.

درس ششم: ولایتمداری:

امام رضا (ع) با پذیرش ولایتعهدی مامون، در شرایطی سخت و پیچیده، از کیان تشیع و منافع مسلمانان دفاع کرد. ایشان به ما یاد می‌دهد که در هر زمان و مکان، باید از ولایت فقیه، که همان خط امامت و راهنمایی الهی است، پیروی کنیم.

در پایان، ایشان به ما می‌آموزد که چگونه انسان باشیم، چگونه زندگی کنیم و چگونه به سوی کمال حرکت کنیم. حواسمان باشد از چنین گوهر گرانقدری غافل نشویم.

زهره ابریشمی مقدم

شوق پریدن

مثل هر سال دلم شوق پریدن دارد
نام سلطان خراسان شنیدن دارد

گویم این را همه‌ی عمر به صحن کوثر
چای این صحن به والله که خوردن دارد

می بر بدم ز جهان دل به امید نظرش
جان ما در نظرش فیض بریدن دارد

غصه هارا بفروشیم به خاک قدمش
عشق این شاه همانا که خریدن دارد

ای صبا بیهوده در شهر خراسان نگرد
پرچم سبز رضا شور و ییدن دارد

دل کبوتر شده‌ی صحن اگر می‌باشد
تا ابد لذت در صحن پریدن دارد

درد نادیدن او گرچه که سخت است ولی
عاشقی ارزش این درد کشیدن دارد

قم و یا مشهد و کعبه نکند فرق که دوست
دائما بر تن ما روح دمیدن دارد

هاتفی گفت که ایران ز وجودش برپاست
شهر بی یار مگر ارزش دیدن دارد

حضور ملکوتی امام رضا (ع) در خاک ایران، فراتر از زیارتگاه، یک دانشگاه است. دانشگاهی برای آموختن درس‌های بی‌شمار زندگی. ایشان آموزگار بزرگیست که با سیره و گفتارش، درهای کمال را به رویمان می‌گشاید.

درس اول: مدارا و همزیستی:

در عصری که تعصب و تفرقه، آتش کینه را شعله‌ور می‌سازد، امام رضا (ع) به ما می‌آموزد که چگونه با پیروان ادیان و مذاهب مختلف، با احترام و مدارا رفتار کنیم. مناظرات علمی ایشان با عالمان دیگر ادیان، نمونه‌ای بارز از این رویکرد است. امام (ع) به ما یاد می‌دهد که برای رسیدن به حقیقت، باید گوش شنوا داشت و از گفتگو نهراسید.

درس دوم: علم و دانش:

وجود مبارک امام رضا (ع) تجسم علم و دانش بود. ایشان با پاسخ‌های حکیمانه و استدلال‌های قاطع، هر سوالی را به دریایی از معرفت تبدیل می‌کرد. امام (ع) به ما یاد می‌دهد که علم، نوری است که راه سعادت را روشن می‌کند و جهل، تاریکی است که انسان را به گمراهی می‌کشاند. پس همه‌ی ما به خصوص قشر دانشجو باید دغدغه‌ی علم مفید داشته باشیم.

درس سوم: اخلاق و انسانیت:

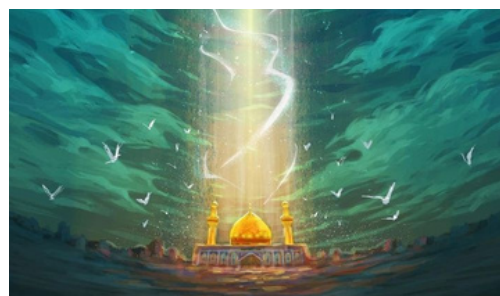
اخلاق نیکو و رفتار کریمانه امام رضا (ع)، زبازد خاص و عام بود. ایشان با تواضع و فروتنی، با مردم رفتار می‌کرد و به نیازمندان کمک می‌رساند. ایشان به ما یاد می‌دهد که ارزش انسان، به مقام و ثروت نیست، بلکه به اخلاق و انسانیت اوست.

درس چهارم: صبر و استقامت:

زندگی امام رضا (ع) پر از رنج و سختی بود. ایشان با وجود تمام مصائب، صبور و مقاوم بود و هرگز از مسیر حق منحرف نشد. امام (ع) به ما یاد می‌دهد که در برابر مشکلات، نباید ناامید شد و باید با صبر و استقامت، به سوی هدف حرکت کرد.

درس پنجم: توکل به خدا:

امام رضا (ع) همواره به خدا توکل داشت و در تمام امور، به او پناه می‌برد. ایشان به ما یاد می‌دهد که در زندگی، نباید فقط به خودمان تکیه کنیم، بلکه باید به خدا اعتماد داشته باشیم و از او یاری بخواهیم.





افق

شناسنامه

گاهنامه افق

صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی تهران

مدیر مسئول : علیرضا اشکانی پور

سر دبیر : علی خلیج معصومی

جانشین : زهرا ابراهیمی

اعضای تحریریه :

حامد موحدفر، نرگس مرادی، محمد مهدی محمدی،

زهرا ابریشمی، جواد شمس الدینی، طاها میرزایی

ویراستار : پارسا عباس وند

گرافیکست : زهرا ابریشمی